

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports	گزارشها
---------	---------

گزارشگران پورتال- نیویارک
۰۱ اکتوبر ۲۰۱۳

گزارش تصویری مختصر از تجمعاتی چند در حوالی دفتر ملل متحد

با در نظر داشت آن که به تاریخ ۲۵ سپتمبر ۲۰۱۳ مجمع عمومی «ملل متحد» دایر شده و در آن بخشی از رهبران کشور های جهان شرکت داشتند، قابل پیش بینی بود که جریانات مخالف دولتهای متعددی، در آن روز دست به اجتماعات و در صورت امکان تظاهرات زده، پیام مردم در بند کشور های شان را به گوش مردم نیویارک و از طریق رسانه ها به گوش مردم سراسر جهان رسانیده، دیوار سکوتی را که در همچو ایامی از طرف رسانه های رسمی قدرت های دولتی اعم از کوچک و بزرگ کشانیده می شود، خواهند شکست. ما هم از جانبی بر مبنای خواست مبارزاتی خود و از جانب دیگر همکاری با پورتال آزادگان در قسمت تهیه گزارش، از صبح زود در آنجا حاضر و تا ختم آن با سایرین داد و فریاد نمودیم، این شما و این هم چکیده یک روز مبارزه دموکراتیک:

فضای منهن:

آنهایی که با جغرافیای شهر منهن و سیستم سرک کشی آنجا آشنا هستند، می دانند که سیستم سرک کشی در آنجا با اعداد مشخص شده است. محلی که قرار بود تجمع در آنجا صورت گیرد- تقاطع سرک دوم و سرک چهل و دوم- بود. سرکها با شماره ۴۲ شرقاً و غرباً افتادگی دارند، در حالی که سرکهای با شماره دوم و سوم سمت افتادگی آنها از جنوب به شمال کشیده شده است.

برای کسی که اندکی با دید روشن و حواس جمع می خواست، همان روز در آن محله گشت و گذار نماید- پیاده و یا سواره فرقی نمی کرد- به یقین متوجه می شد که از مرکز تجمع الی سرکهای ۴۹ و ۸، پولیس به صورت علنی و مخفی و با تمام امکانات تکنولوژیک فضاء را تحت کنترل شدید قرار داده، به هر اندازه ای که به طرف محل تجمع نزدیکتر می شد، به همان اندازه فضای پولیسی امنیتی نیز شدت بیشتر یافته، حتی در تقاطع سرکهای ۴۳ و ۳ برای ساکنان محل کارت عبور و مرور مخصوص نیز صادر شده بود.

هرگاه قرار باشد مرکز ملل متحد و محل تجمع را که یک سرک دورتر از آن قرار داشت، به مثابه یک مرکز دایره در نظر بگیریم به جرأت می توانیم بنویسیم که به شعاع حد اقل ۵ کیلومتر، محل تحت کنترل کامل بیش از ۲۰ هزار پولیس، در آمده بود. این که چرا چنین بوده و آیا صرف همان تجمع باعث آن بوده و یا عوامل دیگری نیز در ایجاد چنان فضائی نقش داشته است، از قبل معلوم است که تمام آن آمادگی ها به هیچ صورت تدارک امنیتی در قبال آن تجمع نبوده و ده ها عامل دیگر در آن دخیل بوده است، که شگافتن آن از موضوع گزارش ما به دور می باشد.

محل تجمع:

محل تجمع که در حاشیه جنوبی سرک ۴۲ رأس تقاطع با سرک ۲ موقعیت داشت، صرف نظر از آن که خود در گوشه ای به دور از محل عبور و مرور مردم قرار گرفته بود، با کتاره های فلزی چند لایه در اطراف آن و گذاشتن تقریباً یک راه ورود به آنجا در عمل، تجمع را از دسترس سایر مردم جدا نموده و به نحوی آنها را در درون آن محوطه، محصور نموده بود. این که چنان تدابیری از طرف پولیس چیده شده بود و یا آنهایی که جواز تشکیل آن تجمع را از پولیس گرفته بودند، چنان اندیشیده بودند، در نتیجه آن کدام تأثیری ندارد، چه در هر حالتی، باعث جدائی مردم رهگذر از اجتماع کنندگان و سهمگیری فعال آنها گردیده بود.

نیروهای شرکت کننده:

تا جایی که از بروبیا و رتق و فتق امور بر می آمد، به احتمال قریب به یقین اجازه رسمی آن تجمع را «سازمان مجاهدین خلق ایران» که دیگر کاریکاتوری از آنچه بنیانگذاران آن می خواستند باقی نمانده، گرفته بود؛ مگر در کنار آنها به علاوه آن که بخش های متعدد نیروهای چپ ایران شرکت داشتند، به صورت پراکنده افرادی از افغانستان، پاکستان، بنگله دیش، سومالیا، سودان و چین نیز شرکت نموده، هریک شعارها و اهداف خویش را بیان می داشتند.

ترکیب و نقش نیروها در تجمع:

۱ - سازمان مجاهدین خلق ایران:

این سازمان که به احتمال قریب به یقین و طبق گفته رفقای چریکهای فدائی خلق ایران، اجازه نامه رسمی آن تجمع را در اختیار داشتند، بیشترین مصرف را در قبال تدارک چنان تجمعی انجام داده و گفته می توانیم که با چیدن چوکی در بیشترین بخش آن حاشیه، در عمل آن محدوده را در اختیار گرفته بود، نه تنها از لحاظ نظم و نسق امور با سایر نیروها قابل مقایسه نبود، بلکه بیش از ۷۰ درصد کل شرکت کنندگان هم به شکلی از اشکال در پیوند با آنها در تجمع شرکت نموده بودند.

آنچه در این میان نمی توانست از دید حتی یک ناظر عادی پوشیده ماند، شرکت گسترده تعدادی از متعلمین مکاتب و انجمن های اسلامی امریکائی در جمع آنها بود. این شرکت گسترده مهمانان امریکائی در یک تجمع ایرانی، اگر از جانبی می تواند مبین کارسیاسی و تبلیغاتی کادر های آن سازمان در درون جامعه امریکا باشد و از طرف دیگر پول سرشاری را که در همچو مواقعی می توانند هزینه نمایند می رساند، از سوی دیگر می تواند مبین آن باشد که آن سازمان خلاف سالهای اول انقلاب ایران، که با هر حرکتی می توانست یک زلزله سیاسی را در ایران باعث گردد، به تاسی از سیاست های اشتباه آمیز، نادرست و حتا خاینانه باند «مسعود- مریم» و استحاله آن سازمان، از یک سازمان رزمنده به یک ابزار بی مقدار نهاد های استخباراتی اعم از سی. آی. ای، موساد و المخابرات العامه و سایرین، موقوف آنها را بین مردم ایران چنان تضعیف نموده است، که توانائی حضور مستقل را بدون حامیان غربی خویش از دست داده اند.

گذشته از نمود چنین وابستگی، در جریان تجمع وقتی متوجه شدند که شعارها و عکسهای مستند بخشهای متعدد جنبش چپ ایران، بیشتر شرکت کنندگان را به طرف خود کشیده و با وجود صرف ده ها هزار دالر چوکی های آنها کاملاً خالی مانده است، از حق رسمی خود استفاده نموده با مراجعه به مقامات امنیتی و پولیس مسؤول، باعث گردیدند تا با زیر پا نمودن حقوق دموکراتیک سایر نهادها، بساط و عکسهای آنها جمع گردد.

چنین عملی به خودی خود گواه بر آن است که هرگاه این نیرو از طرف امپریالیزم به مثابه جانشین نظام ولایت فقیه انتخاب گردد، با آن میزان وابستگی به غرب و دوری از مردم ایران و با این ظرفیت سرکوب و پایمال نمودن حقوق و آزادیهای نیروهای مخالف، چه سان در کمترین زمان ممکن، باز هم ایران به خون کشانیده شده، به عوض خلخالی ها و خمینی ها، از نوک شمشیر مسعود ها و مریم ها، خون خلق ایران خواهد ریخت.

سخنرانی ها و تمام تدارکات دیگر آنها چه به زبان انگلیسی و چه هم به زبان فارسی، همه بدون استثناء از حقانیت خود و محکومیت طرف مقابل صحبت نموده، به طرفداران امریکائی شان که تعدادی از آنها از مقامات بلند آن کشور بودند، به صورت غیر مستقیم وعده می دادند که گویا اگر آنها به نوکری برگزیده شوند، دنیای دیگری به غیر از آنچه آخوند ها اعمار نموده اند، خواهند ساخت.

این که غرب به خصوص امپریالیزم امریکا، آنها را تا چه حدودی جدی می گیرد و در بازی قدرت بین خود و آخوند ها، بر کدام مهره- مجاهدین، سلطنت طلب ها و یا اصلاح طلبان داخل رژیم- سرمایه گذاری می نماید، نمی توانست در چنان تجمعی کاملاً مشخص گردد، هر چند در بازی کنونی، غرب آنها را فعلاً پیش انداخته است.

۲ - نیروهائی که در ایران به نیروی چپ معروف اند:

الف- هواداران چریکهای فدائی خلق ایران:

این نیرو با آن که از لحاظ کمی به دنبال خیانتها و انشعابهائی همان سالهای نخست انقلاب از توانائی های قبلی خود برخوردار نیست، مگر بر مبنای خط مبارزاتی روشن و سازش ناپذیر با امپریالیزم امریکا و رژیم ولایت فقیه و به یمن کار فشرده کادر های آن در حوالی نیویارک و شرکت گسترده هواداران آن از نقاط دور و نزدیک، نیروی قابل ملاحظه ای را در تجمع حاضر نموده، با به نمایش گذاشتن عکسهای جنایات رژیم ولایت فقیه و همبستگی آن با امپریالیزم جهانی، تقسیم پلاکارت ها و جزوات معلوماتی و صحبت های مستقیم با حضار علاقه مند، بدون سروصدا و در حد امکان به افشای رژیم و شگرد های آن از احمدی نژاد به روحانی پرداخته، تمام آنها را در جنایاتی که طی بیش از سه دهه در ایران صورت گرفته به صورت مستقیم مسؤل دانسته، سرنگونی آنها را به هر جناح و دسته ای که مربوط باشند، از اهداف مبارزاتی خود و مردم ایران بیان داشت.

ب- حزب کمونیست کارگری ایران:

اعضاء و طرفداران این حزب، هر چند در محل تجمع دیر تر از سایرین رسیده و خلاف معمول مواد، اسناد و عکسهای تبلیغاتی زیاد با خود نیاورده بودند، مگر به محض حضور در محل، سکوت آنجا را به هم زده با دادن شعار هائی علیه جمهوری اسلامی و شخص روحانی کار گزار جدید ولایت فقیه، انحصار صدای بلند و تک صدائی را از چنگ «مجاهدین» در آوردند.

پ- حزب کمونیست ایران:

اعضاء و هواداران این حزب به غیر از چند پلاکارت و تعدادی عکس و چند اعلامیه، چیز دیگری با خود نداشتند تا از حضور پر رنگی در آن تجمع برخوردار بگردند.

ت- حزب کمونیست ایران (م.ل.م.):

افراد این حزب که در پیوند و نزدیکی کامل با یکی دو تن از افراد حزب کمونیست انقلابی امریکا در محل حضور داشتند، به علاوه آن که با چند قطعه عکس و تعداد نشریه سابقه حضور شان را در محل اعلام داشته بودند، عملاً تجمع را به تبلیغ مواضع جنجال برانگیز جدید باب آواکیان مبدل نموده و در جریان چگونگی گذشتن تجمع، نقش خاصی نداشتند.

آنچه را باید به مثابه زنگ خطری برای تمام نهاد های موسوم به چپ در ایران به صدا در آورد، ترکیب سنی افراد شرکت کننده در آن تجمع بود، چه با کمال تأسف اکثر شرکت کنندگان بدون استثناء بیش از نیم قرن عمر داشتند، چنین ترکیب سنی هرگاه مورد دقت کامل قرار نگیرد، نمی تواند نسبت به آینده این نیروها، تأمل برانگیز نگردد.

۳- سلطنت طلبان:

این عده که زمانی در همچو مواقعی، می توانستند به کمک مقامات رسمی دولت های امپریالیستی خود را بیشتر به رخ بکشند، در این تجمع نقش چندانی نداشته و از قرار معلوم آنها قافیه را به «مجاهدین» باخته اند. این که چنین حالتی تا چه زمانی ادامه خواهد یافت و آیا این باخت یک باخت ستراتیژیک است و یا تکتیکی و یا اصولاً امکان نزدیکی بین «مسعود» و «رضاء» وجود دارد و یا خیر و سرانجام امپریالیزم کدام یک را به مثابه سوگلی حرمسرایش می پذیرد، سؤالی است باز که جواب خود را در آینده خواهد یافت.

۴- افغانهای شرکت کننده:

از آنجائی که من با تمام افغانهای شرکت کننده شناخت نداشتم و فقط دو تن از آنها آقایان «کبیر توخی» و «علی مشرف» را در آن جمع می شناختم، نمی توانم به ارتباط تعداد شرکت کنندگان آنها چیزی بنویسم. ضمن صحبتی که با دو فرد نامبرده داشتم، آنها هدف شان را از شرکت در آن تجمع در سه نکته خلاصه نمودند:

الف- اعلام جرم علیه ملل متحد به مثابه وسیله اجرائی امپریالیزم امریکا و شرکاء در اشغال افغانستان و کشتار مردم آن.

ب- جلب توجه جهانیان به بیش از یک میلیون پناهنده افغان در ایران که به سنگ زیرین آسیاب در زور آزمائی و کشمکش ارتجاع آخندی و امپریالیزم امریکا مبدل شده و محکوم نمودن هر دو طرف.

پ- ابراز همبستگی با مردم ایران و حمایت از مبارزات جنبش انقلابی آن کشور علیه تمام دارو دسته های امپریالیزم و ارتجاع.

۵- پاکستانیهای شرکت کننده:

اینها که جمعاً ۸ نفر بوده و از قرار معلوم به صورت عاجل تصمیم به شرکت در آن تجمع را گرفته بودند، تنها پلاکارتهایی را با خود حمل می نمودند، که بر روی آنها به زبان انگلیسی علیه طلبان پاکستان و قدرت گیری آنها شعار نوشته شده بود.

۶- بنگله دیشی ها:

به اساس عکسها و بونر های تبلیغاتی که با خود داشتند، یگانه چیزی که از آن استنباط می شد، مخالفت آنها علیه جنایات ارتش بنگله دیش بود، مگر با تأسف هویت سیاسی افراد شرکت کننده مشخص نبود. در مقابل سؤالی که این قلم راجع به تعلق سیاسی و جناحی شان نمودم، حاضر به پاسخگویی نشده، حرکت شان را خواست تمام مردم بنگله دیش وانمود نمودند.

۷- چینائی ها:

این ها که تماماً پیرو و طرفدار یکی از مذاهب در چین بودند، دولت آن کشور را به نقض آزادی مذهبی محکوم نموده و از جهان می خواستند تا آنها را کمک نموده سیاست ضد مذهبی دولت چین بگردند.

جالب توجه در این میانه، حرکت خلاف مسیر چینائی ها بود، چه در حالی که تمام شرکت کنندگان دیگر از مظالم مذهب و رژیم های مذهبی به جان آمده بودند، این فقط چینائی ها بودند، که برای مذهب سینه پاره می کردند.

به علاوه بخش های فوق افرادی از سومالیا، سودان و چند کشور افریقائی دیگر نیز در آنجا حضور داشتند، که با تأسف نه بروشوری از آنها به دست آورده توانستم و نه هم فرصت مصاحبه با آنها مساعد گردید.

در کل این تجمع به اساس آمادگی های قبلی و تدارکاتی ایرانیان، تحت شعاع عملکرد آنها قرار گرفته، چه بسا تعداد زیادی از خبرنگارانی که از منطقه خاور میانه شناخت کافی ندارند، تمام آن را به پای اپوزیسیون رژیم ولایت فقیه نیز نوشته باشند.

عکسهایی چند از آن تجمع.







